

ادراک شهروندان از فضا و منظر شهری

فائقه سرحانی^۱، سعید امانپور^۲

^۱ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

نام نویسنده مسئول:

فائقه سرحانی

چکیده

شهر با نگاه نخست با منظر، خود را در معرض دید و قضاوت ناظران قرار می دهد. در واقع منظر شهری مانند نمای ظاهری و پوسته بیرونی هر شهر است که نگاه هر بیننده ای را در وهله نخست متوجه خود می کند و نخستین چیزی است که شهروند در شهر با آن ارتباط برقرار می سازد و به صورت بی وقفه وی را تحت تأثیر قرار می دهد. بهم ریختگی منظر شهر بیانگر بی نظمی ساختار برنامه ریزی و رفتار شهری است و منظر زیبا نشان دهنده رابط های مناسب میان شهر و شهروند می باشد. منظر حاصل درک انسان از زمین و محدود به دانش و آگاهی از مکان است و ارزیابی واژه ای حفاظتی برای تشریح، طبقه بندی و تحلیل منظر می باشد. شهرهای برخوردار از محیط بصری و منظر شهری مطلوب قادرند تا با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم ساخته و با اعتلا بخشیدن به وجهه شهر در سطح ملی و بین المللی، توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقشار خلاق تقویت نماید. هدف این مقاله تبیین اهمیت منظر شهری در ارتقای ادراک شهروندان از شهر و به دنبال آن توانایی شهروندان در خوانش شهر می باشد

واژگان کلیدی: ادراک، شهروندان، فضا، منظر شهری

۱. مقدمه

تأثیرات حسی منظر عمدتاً ناشی از عناصر عینی قابل ادراک است بنابراین مهم ترین عامل و حس در فهم و ادراک منظر شهری حس بینایی است. هر چند افزون بر مولفه های دیداری منظر که شامل تمامی اجزاء و ظواهر فیزیکی ساختمان ها، کف، مبلمان شهری، آثار هنری، نشانه ها، نورپردازی و ... می شود، باید به جنبه های ذهنی و مولفه های ذهنی منظر از قبیل ابعاد فرهنگی، تاریخی، خاطره ها، آداب و سنن و ... نیز توجه نمود. در چنین شرایطی بدیهی است تغییرات در وجه دیداری منظر با بهره گیری از آثار هنری به عنوان یکی از مولفه های دیداری نقش بسزایی در ادراکات حسی شهروندان دارد [۱۸].

انسان به عنوان مخاطب و کاربر فضاهای شهری با قوه ادراک و با بهره گیری از حواس خود با آن ارتباط برقرار می کند. ارتقای عوامل بصری و ادراکی منظر فضاهای شهری زمانی می تواند تحقق یابد که اولویت سنجی مسائل شهری موجود، مبتنی بر نظریات شهروندان و استفاده کنندگان از فضاها باشد [۳۸]. بیننده با نوعی بینش و دیدگاه خاص، با مشاهده یک مکان، تأثیرات خاصی اعم از مثبت یا منفی در او ایجاد می شود؛ احساس تعلق خاطر، بیگانگی، دوست داشتن یا نداشتن و ادراک یا عدم ادراک می توانند از جمله این بازتاب ها باشند. برقراری ارتباط با مناظر از یک طرف به عوامل بسیاری مانند زمینه جغرافیایی محیط، پیشینه فرهنگی-مذهبی، تغییرات سیاسی-اقتصادی و تمامی عوامل اجتماعی حاکم بر فضا بستگی دارد و از طرف دیگر پشتوانه مذهبی و روحی مشاهده کننده نیز تأثیر به سزایی بر این ارتباط خواهد داشت. پس درک ما در هر مقطع زمانی به نوع احساس ما در آن زمان وابسته است. برای تشخیص و اظهار نظر باید صادقانه دید، شنید و فهمید. برای قضاوت باید به معنای واقعی درک کرد [۱۱].

اطلاعات محیطی برای فردی بیشتر قابل دریافت و استفاده است که آن ها را بشناسد و زمان کافی و امکان احساس و درک آن ها را داشته باشد. از آن جا که در محیط های زندگی، اطلاعات رسیده عموماً بسیار زیاد است، انسان مجبور می شود از طریق پیدا نمودن نظم، تصویر کلی آن را در ذهن خود به دست آورد. لذا هرگاه در مجموعه اطلاعات موجود در محیط شهری نظم وجود داشته باشد، در آن صورت ادراک محیط برای انسان آسان تر می گردد. در محیط های شهری، انواع انتظامات و توالی عناصر مختلف باعث ایجاد ادراکات متفاوت در عابر بیننده می شود که ساکنین در طول عبور یا مکث، آن ها را احساس و توسط حواس خود تجربه می نماید. ادراک فرایندی هدفمند است و به فرهنگ نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. از این رو فرایند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است [۳۳]. در مقاله حاضر درصدد بررسی وضعیت ادراک شهروندان از فضا و منظر شهری می باشیم.

۲. فضا

مفهوم فضا از مفاهیم کلیدی جغرافیا است. فضا در این علم، حوزه یا ناحیه ای بزرگ است و معمولاً بر حسب سطح زمین نشان داده می شود. «فضا» عبارت است از نظم و آرایش فضایی درونی و بیرونی که دنیای اطراف ما را می سازد. فضا شامل کیفیت و کمیت فضای اطراف و روابط هندسی مثل فاصله و مجاورت است. فضا مفهومی بدیهی نیست. این مفهوم به مراتب گسترده تر از تعریف ساده ی فضای فیزیکی یا طبیعی که به طور ضمنی مطرح می شود و به ابعاد سه گانه جهان بیرونی یعنی تواترها، جدایی ها، و فاصله های میان افراد، میان افراد و اشیاء و میان اشیاء اطلاق می شود. نخستین و پایه ای ترین تمایز را باید میان فضای انسانی و فضای غیر انسانی (که گونه ای از آن نیز فضای ماشینی است) قائل شد [۱۶].

۳. فضای شهری

بسیاری از محققین در دوره های مختلف تاریخ شهرسازی به گونه های متفاوت به موضوع فضای شهری پرداخته و از زوایای مختلف به این موضوع توجه کرده اند. راب کریر در این زمینه فضای شهری را "تمام انواع فضای میان ساختمان ها در شهرها و دیگر مکان ها می داند [۲۹].

فضای شهری مکان هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه های کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنی می یابد. فضاهای شهری قدمتی دیرینه در تاریخ شهرسازی داشته و در ادوار مختلف با اشکال گوناگون در شهرها حضور یافته و سبب شکل گیری بافت شهری در پیرامون و یا بر حول محور خود گردیده اند. یک فضای شهری فضایی است که عنصری هویت بخش از یک شهر تلقی می شود، به طوری که اغلب شهرهای بزرگ را می توان به واسطه فضاهای شهری آن بازشناخت. فضاهای شهری که براساس قواعد زیبا شناسی شکل گرفته و در کل سیما و ظاهری زیبا به منطقه تحت نفوذ خویش می دهد می توانند به عنوان عناصر کلیدی و محورهای توسعه یک شهر مد نظر قرار گیرند.

صحنه ای است که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می پیوندد. فضای شهری توسط فرآیندهای طبیعی نظام یافته و به وسیله انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و به طور کلی فرهنگی هر جامعه شکل می گیرد و شامل کلیه سازه های شهری از جمله میدانی شهری، خیابان ها و سایر عناصر شهری است. فضایی که به همه مردم اجازه می دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند [۵]. کولکوهن واژه ی فضای شهری را به دو گونه تعریف می کند. فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی تداعی فضایی نهادهای اجتماعی است که مورد مطالعه جامعه شناسان و جغرافی دانان می باشد. تمایل این دیدگاه، دیدن ویژگی های فیزیکی محیط مصنوع است. از سوی دیگر فضاهای مصنوع متوجه فضاهای فیزیکی ایت بدین ترتیب آنچه که مورد توجه طراحان است مورفولوژی فضا است. به گفته کولکوهن این دیدگاه به دو رویکرد می انجامد، آن که فرم ها را مستقل از کارکرد می بیند و آن که کارکردها را تعیین کننده فرم ها می داند [۳۰].

فضاهای عمومی، مهم ترین بخش شهرها و محیطهای شهری به شمار می آیند. در چنین عرصه هایی، بیشترین تماس و تعامل بین انسانها رخ می دهد. یکی از مهم ترین این عرصه ها، پارک ها و فضاهای سبز شهری است. اهمیت این فضاها به عنوان بخش لاینفک نواحی شهری در بهبود کیفیت زندگی، گذراندن اوقات فراغت و تفریح در زندگی شهروندان، بهبود شرایط اکولوژیکی و تغییر در سیمای سرزمین. فضاهای شهری، فضاهایی هستند که با حضور و حرکت شهروندان حیات و قوام می یابند، حضوری که با فعالیت آن ها توأم می باشد و پویایی زندگی را به نمایش می گذارد. فضاهای عمومی، فضاهایی هستند چند منظوره و در دسترس عموم که هم از قلمروهای اجتماعی و مرزبندی شده خانواده ها و افراد متمایزند و هم میانجی آن ها محسوب می شوند. اصولاً این فضاها را در صورتی عمومی تلقی می کنند که تأمین و مدیریت آن ها بر عهده مسئولان دولتی باشد، با مردم به صورت یک کل واحد ارتباط برقرار کنند، مردم آزادانه و به راحتی با آن ها دسترسی داشته باشند و یکایک اعضای جامعه بتوانند از آن ها بهره ببرند و یا مشترکاً از آن ها استفاده کنند [۱۲].

۴. منظر شهری

فضای شهری عینیتی قابل ادراک به وسیله ی شهروندان است که اطلاعات ارسالی از آن، فقط اطلاعات کالبدی و بصری نیست، بلکه اطلاعاتی است که توسط کلیه ی حواس ادراک می گردد. لذا منظر یک فضای شهری، کلیه ی اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس، قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردد. اطلاعاتی از فرم، عملکرد و معنای فضا. از این رو شاخص های یک منظر در سطوحی متعدد، از سطحی تا بنیادی، خود را در این فرآیند مطرح و نمایان می سازن [۳۹].

منظر واژه های است عربی از ریشه نظر و بر وزن مفعول، اسم مکان است مانند مکتب، مدخل، پس می تواند محل نظر باشد یا مکان نگرستن، یعنی «هر چیزی که آن را می نگرند، خواه خوشایند باشد و خواه بدنام» (دهخدا). بنابراین منظر چیزی است عینی.

با توجه به تعریف گوردن کالن (۱۳۷۷) از منظر شهری که آن را «هنر یکپارچه بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی که محیط شهری را می سازند» می داند؛ منظر شهری را می توان مجموعه ای از عناصر طبیعی و مصنوعی اعم از کالبد و فضای شهری، انسان ها و... به عنوان نخستین جلوه از شهر، آئینه تمام نمای نمایش یک شهر و محیط برای عموم دانست. کالن معتقد است «یک ساختمان، معماری اما دو ساختمان منظر شهری است. زیرا به محض آنکه دو ساختمان در کنار هم قرار می گیرند، هنر منظر شهری عرضه می شود. مسائلی مانند ارتباط بین ساختمان ها و فضای میانی آن ها بلافاصله اهمیت پیدا می کند. چنانچه این روابط و این نکات را در اندازه یک شهر ضرب کنیم شما با هنر محیط سروکار خواهید داشت و احتمال وابستگی ها افزایش می یابد. مانورها و دستاویزها چند برابر می شوند. حتی یک مجموعه کوچک از ساختمان ها می تواند یک منظر و انگیزه فضایی به وجود آورند. کوچکترین جزئیات خیابان باید در نمایش عملکردهایشان در منظر شهری گنجانده شود [۲۲].

منظر بخشی از محیط است که می توان در یک مکان خاص به آن توجه کرد و با بسترش در محیط ارتباط داد. منظر از ریشه «نظر» است. که نظر در فرهنگ دهخدا به معنای نگرستن، نگرستن در چیزی به تأمل مترقب حضور چیزی شدن، بینش، فکر و رأی آمده است. با این توضیح که «نظر» همان فکر است. منظر شهری، هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی است که محیط شهر را می سازد. منظر شهری کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردد. اطلاعاتی از قبیل فرم، عملکرد و معنای فضا [۸]. از ویژگی های اصلی مفهوم منظر شهری آن است که به عنوان یک پدیده «عینی-ذهنی»، «انسانی-کالبدی» و یک ساختار «اجتماعی-فضایی» مطرح می گردد. همچنین گونه های اصلی منظر شهری شامل منظر گسترده، چشم انداز درونی، مناظر سیمای شهری، کریدورهای بصری نیز می باشد [۱۵].

منظر شهری کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردد. اطلاعاتی از قبیل فرم، عملکرد و معنای فضا را نیز در برمی گیرد [۳۴]. بررسی جداگانه سه بعد معنایی، عملکردی و کالبدی (فرمی) شهر نشان می دهد که سابقه مطالعات و برنامه های توسعه شهری، معطوف به دو بعد عملکردی (برنامه ای) و کالبدی (طراحی) آن است. آنچه به عنوان بعد

معنایی شهر مورد توجه بوده بیشتر معطوف به حفظ نمادهای تاریخی یا وجه کالبدی غالب بوده و نتوانسته مؤلفه های به وجود آورنده معنای شهر را به دقت تشخیص دهد [۳۲].

اساساً منظر شهری، سطح تماس^۱ انسان و پدیده شهر است و از این رو بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان تحت تاثیر آن شکل می گیرد. اهمیت منظر شهری، به عنوان واسطه میان انسان و پدیده شهر، به اندازه ای است که برخی اوقات در تعریف طراحی شهر گفته اند: طراحی شهر مدیریت منظر شهری (منظر عینی و ذهنی) است. منظر شهری وسیله ای است که شهر را پدیدار می کند. به عبارت دیگر ترسیمات تجربیدی طراحان و معماران (نظیر پلان، مقاطع و نمای جداره خیابان ها) تنها در قالب منظر شهری است که به تجربه واقعی و انسانی بدل می شود. از طریق این واسطه، یعنی منظر شهری، است که ابعاد غیر کالبدی شهر امکان بروز و تجلی خارجی پیدا می نماید [۲۳].

منظر شهری مانند چشم انداز روستایی، نشان دهنده رابطه بین مردم و مکان و بخشی که در شکل گیری محیط زندگی روزمره ما نقش دارد. این نتیجه به این دلیل است که اجزای مختلف محیط ما (طبیعی و فرهنگی) با همدیگر در تعامل هستند و توسط مردم شناخته شده و تجربه می شوند [۴۱].

منظر عمومی شهر (مانند خیابان ها، پارک ها، میادین، حاشیه رودخانه ها و ...) شامل دو دسته عوامل عینی و ذهنی هستند. عوامل عینی در بردارنده مجموعه عوامل طبیعی و مصنوع مانند فرم ابنیه، جداره های شهری و طبیعی، تجهیزات شهری، فضاهای باز و پوشش های طبیعی هستند. عوامل ذهنی نیز شامل رویدادهای فرهنگی، حوادث تاریخی، خاطرات، روابط، تعاملات انسانی و رویدادهای فردی-جمعی می باشند [۳۸].

به طور خلاصه سه نظریه در مورد «حالت وجودی» کیفیت منظر شهری مطرح می باشد:

- تلقی منظر شهری به مثابه صفتی که ذاتی محیط کالبد شهر بوده و مستقل از انسان به عنوان ناظر و مدرک وجود دارد.
- تلقی منظر شهری به مثابه مقوله ای کاملاً ذهنی و سلیقه ای که توسط ناظر ساخته می شود و هیچ گونه ربطی به ساختار و خصوصیت محیط کالبدی ندارد.
- تلقی منظر شهری به مثابه «پایدار» فنومن یا رویدادی که در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها، نمادهای فرهنگی و توانایی های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می گیرد [۲۸].

۵. سیمای شهر

یکی از ویژگی های شهرها سیمای ظاهری شان است که می توان از آن به عنوان یکی از شاخص های معرفی هویت شهر و در نتیجه هویت اهل آن نام برد. آیاتی از قرآن کریم نیز بر این نکته اشاره می نمایند که سیمای ظاهری می تواند بیانگر هویت و درونیات صاحب آن سیمای باشد. شهر مانند یک اثر هنری نیست که هنرمند در خلق آن بتواند ادعای آزادی عمل داشته باشد بلکه شهر زمینه ی بصری و عملکردی مشترکی است که همه ی شهروندان هر روز به ناگزیر در معرض آن قرار می گیرند و می باید بتوانند از آن استفاده کنند. رضایتمندی شهروند از سیمای شهری نیز نه تنها بر آرامش و کارآیی آنان اثر می گذارد، بلکه در ایجاد احساس علاقه مندی به مکان و افزایش حس هویت شهری آنان نیز موثر است. بر این اساس می توان دو رویکرد متفاوت برای ساماندهی سیمای و نمای شهری در پیش گرفت. نخست اینکه اصول و معیارها براساس دید و سلیقه متخصص و هنرمند طراح می باشد. دوم: اصول و معیارها بر اساس عکس العمل ها و تأثیرات محیط بر استفاده کننده، هم از جنبه ی زیبایی شناسی و هم از جنبه ی احساسی مطرح گردد. لذا هویت کالبدی سیمای و منظر خیابان های شهر می تواند، زیبایی، سرزندگی و مدنیت آنرا افزایش می دهد [۳۷].

مؤلفه هایی که در محیط و منظر به صورت طبیعی و یا مصنوع وجود دارند، محصول ضابطه ها و معیارهایی هستند که به وسیله زبان های رایج بومی، معماری، برنامه ریزی، طراحی محیط و منظر تدوین شده اند. بنابراین یک رابطه دو سویه بین مؤلفه های محیط و منظر و زبان که برای قرائت آن ها به کار رفته است، وجود دارد. به زبان دیگر مؤلفه انعکاسی از زبان دیگر مؤلفه انعکاسی از زبان و زبان انعکاسی از مؤلفه است. قرائت این مؤلفه ها و ارزیابی آن ها موضوعی است عقیدتی و شخصی. بعضی مناظر واجد اصالت و برجستگی می شوند. زیرا آن ها به وسیله معماران برجسته یا سازندگان خبره بر پهنه ای عظیم بنا شده اند و به وسیله ضابطه های محدود کننده محافظت می شوند [۱۷].

سیمای شهر به تمام عواملی از شهر که به دیده می آیند و چشم قادر به تماشای آن هاست، اطلاق می شود. این عوامل به صورت انفرادی و در حالتی پیوسته و دسته جمعی عمل می کنند [۲۱]. یک شهر درست مثل یک تابلوی نقاشی است، با این تفاوت که به اندازه ی نصف

یک اثر هنری به آن پرداخته می شود و برای نصف دیگر آن باید این اثر را مانند یک گیاه دانست که نسبت به شرایط محیط زیست خود نیاز به قوانین و قواعد رشد دارد [۳۱].

۶. عناصر تشکیل دهنده منظر فضای شهری

منظر شهری صرفاً دربردارنده نمای ساختمان ها و عناصر قابل رویت نیست، بلکه صداها، بوم ها، انواع عناصر طبیعی و مصنوع، خواه ثابت و خواه متحرک را در بر گرفته و در کل شامل تمام آن چیزهایی است که توسط حواس انسان، هنگام حضور در شهر قابل درک است و تمام این عوامل با هم در کیفیت منظر شهری موثر هستند به عنوان مثال وجود ساختمان هایی با نماهای با کیفیت در حالی که در فضاهای شهر با انواع آشفتنگی های رفتاری و فعالیتی مواجه هستیم، نمی تواند موجب منظر شهر در مقیاس ها و سطوح مختلف قابل رویت و درک است، در هر کدام از این سطوح عناصر متفاوت و خاصی در تشکیل منظر شهری موثر هستند. اکثر شهرهای ایران به علت استفاده از مصالح محلی در ساخت بناها از رنگی ثابت و مشخص، بیانگر ویژگی های طبیعی آن سرزمین و در هماهنگی با آن برخوردار بوده اند مثل رنگ سرخ ایبانه که نمونه ای از بستر طبیعی یک مجتمع زیستی در منظر کلان آن است.

اما منظر شهر هنگامی که ناظر در درون بافت شهر قرار می گیرد نیز مطرح است. در این حالت ویژگی بصری و عناصر متفاوت منظر شهر اعم از کالبد، انسان ها و فعالیت ها از فاصله نزدیک تر و در مقیاس بخشی از شهر قابل مشاهده هستند معابر، عناصر تشکیل دهنده آن از جمله نمای ساختمان ها، ارتفاع بدنه ها، فعالیت های جاری در آن، وسایل نقلیه، رفتارها و تراکم جمعیتی انسان های در حال عبور یا انجام فعالیت ها، درختان، انواع فضاهای شاخص شهری، تقاطع ها، محورهای دید به سمت عناصر شاخص طبیعی و مصنوع و... اجزاء اصلی منظر شهر در مقیاس میانی هستند.

منظر شهردر مقیاس خردتر نیز می تواند مطرح باشد در قالب عناصری نظیر اجزاء تشکیل دهنده نمای ساختمان، جنس، رنگ و بافت مصالح، سایه روشن های بدنه ها، پنجره ها، اجزای تشکیل دهنده کف در پیاده روها، باغچه ها، مبلمان و تجهیزات شهری نظیر تیرهای چراغ برق، کیوسک های تلفن، سطل های زباله، نیمکت ها و ... [۱۴].

در یک تقسیم بندی دیگر عناصر منظر شهری در نه طبقه دسته بندی گردیدند که عبارتند از:

- **منظر عناصر ساختمانی:** کلیه سازه ها، رستوران، سرویس بهداشتی، سالن سینما و تأثیر، درب های ورودی و خروجی، پارکینگ، موزه، گلخانه، آکواریم، خدمات درمانی و کمک های اولیه، کافه تریا، موتورخانه (آب و برق)، انبار نگهداری وسایل، گلخانه، نهالستان، محل تهیه کود و کمپوست، مکان استراحت مستخدمین بوستان؛

- **منظر مبلمان بوستانی:** نیمکت، زباله دان، آلاچیق، تابلوهای راهنمایی، تابلوهای اعلانات، تجهیزات مخصوص روشنایی، حصار، سایبان، مکان پیک نیک؛

- **منظر سطوح بایر:** کلیه اراضی بدون کاربری، فضاهای باز طراحی نشده یا در حال ساخت و ساز؛

- **منظر زمین و تجهیزات ورزشی:** زمین های ورزشی، زمین بازی کودکان، زمین بازی والیبال، بسکتبال، تنیس، بدمینتون، تنیس روی میز؛

- **منظر آب:** برکه، دریاچه های مصنوعی، حوض آب، فواره، رودخانه، جوی آب؛

- **منظر پوشش گیاهی بوته ای و علفی:** گلکاری و چمنکاری، پرچین، دیوارپوش سبز، فلاورباکس؛

- **منظر پوشش گیاهی درختی و درختچه ای:** درختکاری ها و درختچه های زینتی؛

- **منظر کوه یا سنگ:** کوه ها و تپه های طبیعی یا مصنوعی، سنگ های بزرگ کوهستانی، دیوارهای سنگی؛

- **منظر تجهیزات نماسازی:** آب نما، مجسمه ها، کتیبه ها، نقشه ای برجسته، یادبود احداث بوستان، سردرهای ویژه، ورودی های سبز طراحی شده با استفاده از هرس در آفرینش اشکال ویژه [۹].

در تقسیم بندی دیگری عناصر تشکیل دهنده منظر شهری شامل موارد زیر می باشد:

مبلمان شهری: مبلمان شهری به عنوان یکی از اصلی ترین اجزای ارتباطی شهروندان با شهر، فضاها و مناظر آن، ابزاری است که علاوه بر رفع نیاز، در زیباسازی فضای شهر و به تبع آن ایجاد احساس رضایت در ساکنان نقش مؤثری ایفا می نماید.

لبه های شهری: یکی از مهم ترین اجزا و عناصر سیمای شهر که متمایز کننده قسمت های مختلف شهر بوده و در جدا سازی فضاهای شهری مؤثر واقع می گردد، لبه های شهری می باشند. لبه های شهری سبب می شوند تا ناظر بتواند برای فضاها در شهر حد و مرز قائل شده و در مواردی نیز ممکن است با ایجاد بی نظمی در شهر، انسجام و یکپارچگی شهر را دچار آسیب نمایند.

المان شهری: هنر مردمی، یکی از عناصر مهم در شهرها محسوب می شود. این هنر گویای تاریخ و تحولات شهرهاست و دامنه آن از مجسمه های میادین تا ساختمان ها، در مقیاس شهری متغیر است. تأثیر این هنر در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شهر امری انکار ناپذیر است، چرا که شهروندان همه روزه در ساختمان ها و فضاهای شهری به صورت مستقیم و غیر مستقیم با این پدیده درگیر بوده و به صورت ناخودآگاه با ذهن و روان خود از آن تأثیر می گیرند. یک المان شهری به عنوان هنر مردمی، از لحاظ کیفی تأثیر به سزایی در پویایی و یا ایستایی فضاهای شهری داشته و باعث استقبال یا عدم استقبال شهروندان از آن فضا می شود [۳۹].

گوردون کالن در کتاب گزیده منظر شهری سه نوع منظر را تعریف می کند:

۱- منظر بسته که ساختمانی، عنصری مثل مجسمه را بر پا می دارند، سپس از شما دعوت می کنند که در چند قدمی آن بایستید و آن را تحسین کنید.

۲- منظر پنهان که وجود حایل برای پنهان کردن منظر می باشد و با گذر از حایل، منظره خودنمایی می کند.

۳- منظر خودنمايانه که منظر شما را با استفاده از پیش زمینه به منظر دوردست مرتبط می کند. بنابراین احساس قدرت با حضور در همه جا را در آن واحد القا می کند [۱۱].

۷. شاخص های منظر خوب شهری

منظر شهری به عنوان چشم انداز اصلی جریان زندگی جمعی در شهر باید همواره سرزندگی خود را حفظ نماید و برای داشتن تنوع در وقایع شهری و در طول شبانه روز، انعطاف از ویژگی های اساسی آن به شمار می رود. این منظر باید با ایجاد فضایی خاطره انگیز و ایمن برای شهروندان همواره انگیزه های جدی جهت حضور، نظر و نگهداری را برای آن ها به وجود آورد. برخی از محققین بر این باورند که ۵ عامل نقش اساسی را در کیفیت سیمای بصری شهر بازی می کنند که عبارتند از:

-نقشه (نقشه نظام آرایش، اندازه، تراکم و پراکندگی فضایی پدیده های شهری)

-مظاهر معماری و ساختمانی شهر (شیوه های ساخت و ساز، مصالح، سبک معماری، مقیاس و...)

خصوصیات تحرکی شهر (تأثیر عامل زمان در مظاهر بصری شهر)

-فعالیت های شهری (انواع فعالیت هایی که در شهر رواج دارد)

-صدا و بو [۴].

ویژگی محیط های پاسخ ده:

نفوذپذیری: حدی از قدرت انتخاب که محیط به مردم می دهد تا بدان طریق از مکانی به مکانی دیگر بروند، یک معرف کلیدی جهت ارزیابی پاسخ دهنده گی آن محیط تلقی می گردد.

گوناگونی: گوناگونی تجربه فضا، دلالت بر ویژگی های محیط مکان هایی می کند که واجد فرم ها، استفاده ها و معانی گوناگون باشند؛ این گوناگونی در فعالیت ها، استفاده کنندگان و فرم ها مدنظر است.

خوانایی: بخشی از درجات حق انتخابی که به وسیله یک مکان عرضه می گردد به میزان خوانایی آن ارتباط پیدا می کند؛ خوانایی، کیفیتی که موجبات قابل درک شدن یک مکان را فراهم می آورد.

انعطاف پذیری: مکان هایی که بتوانند برای منظوره های متنوعی به کار آیند، در مقایسه با مکان هایی که برای کاربری مشخص و محدودی طراحی شده اند حق انتخاب های بیشتری را به کاربران عرضه می دارند.

تناسبات بصری: زمانی که یک مکان بتواند به وسیله کیفیات ظاهری خویش مفاهیمی را به مردم منتقل کند که آن ها را با حق انتخاب هایشان آشنا کند، آن مکان دارای تناسبات بصری است؛ تعبیر و تفسیرهای مردم از یک مکان مناسبت بصری را ایجاد می کند.

غنای حسی: تنوع تجربیات حسی که موجب لذت بیشتر استفاده کنندگان از فضا می شود و در طراحی جزئیات حاصل می شود. رنگ تعلق: با توجه به این مسئله که حتی در بالاترین رده حضور و ظهور مشارکت مردمی، اکثریت مردم همچنان مجبور هستند در مکان هایی کار و زندگی کنند که به وسیله دیگران طراحی شده است؛ بنابراین ایجاد این امکان که کاربران بتوانند به محیط های موجود رنگ تعلق بدهند، اهمیت ویژه ای دارد؛ این تنها راهی است که مردم به محیطی برآمده از علایق، ارزش ها و نشانه های شخصی خویش دست پیدا کنند [۲۰].

۸. محیط بصری شهر

اهمیت جنبه بصری شهر از آن روست که امکان "قرائت" محیط را به مثابه یک "متن" فراهم می آورد. تنها در آینه محیط بصری و منظر شهری است که ابعاد نامملوس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نها ده ها و ارزش های معین، سلايق زیباشناختی خرده فرهنگ ها، عمق

تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام جامعه به قراردادهای اجتماعی و غیره از طریق نظامی از "نشانه ها" امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت و یا منفی را میسر می سازد [۲۴].

آسایش بصری را می توان برای مکان هایی توصیف نمود که این مکان ها به علت کمیت و کیفیت مطلوب اطلاعات و شرایطی که ارائه می دهند به نحوه سالم تر، ایمن تر و مطلوب تر مورد استفاده واقع شده و نظارت های رسمی و با اجتماعی بالاتری را نیز از این حیث همراه دارند. آسایش بصری از مولفه های مهم و اساسی محیط های انسان ساخت امن محسوب می شود چرا که برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است، بزرگ همان گونه که خانه بایستی از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد شهر نیز باید دارای کیفیت و ویژگی هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد [۲۶].

محیط بصری شهر وسیله ای است که به وسیله آن می توان ابعاد گوناگون شهر را به مثابه یک متن قرائت نمود. محیط بصری شهرها از طریق نظام پیچیده ای از «نشانه ها»، ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع خویش را به منصف ظهور می رسانند. در فرایند تعامل میان انسان و شهر، محیط بصری به مثابه «فصل مشترک» این دو، زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان و بازدیدکنندگان را فراهم می آورد (گلکار، ۱۳۸۷: ۹۷). اهمیت جنبه بصری شهر از آن رو است که امکان «قرائت» محیط را به مثابه «متن» فراهم می آورد. تنها در آینه محیط بصری و منظر شهری است که ابعاد ناملموس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه و نهادها و ارزش های معین، سلاقی زیباشناختی خرده فرهنگ ها و میزان ایمنی و امنیت جامعه و ... از طریق نظامی از «نشانه ها» امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت و یا منفی را میسر می سازد [۴۳].

در مورد فضای سبز و نقشی که در کیفیت ادراک انسان دارد می توان به اهمیت منظر سازی در فضای شهری اشاره کرد، عبارت است از کاربرد گیاهان در طراحی به گونه و شکلی که موجبات «زمین آرای» منظر سازی یا به عبارت بهتر ارتقای جلوه های دیداری محیط است. گیاهان یکی از اصلی ترین ارکان فضای سبز می باشند که عادات رشدی، فرم بافت، رنگ و اندازه عوامل مهم مورد توجه در انتخاب گیاهان به منظور ایجاد تصویری با زیبایی ماندگار می باشد. از گیاهان می توان در جهت هدایت افراد پیاده، تشویق آن ها برای گذراندن وقت در فضاهای باز عمومی، افزایش تعاملات اجتماعی، ایجاد سرزندگی و حس خاطره انگیزی در محیط، ایجاد همبستگی در مناظر بی نظم بصری و ... استفاده نمود [۱۰].

۹. ادراک شهروندان از سیما و منظر شهری

ادراک فضا و منظر شهری که حاصل تعامل انسان با محیط شهری است، الزاماً امری پویا و چند وجهی است. بررسی عوامل و سازکارهای درگیر در ادراک منظر شهری متعدد و پیچیده است. ادراک منظر شهری مبتنی بر انگیزه های انسانی و مبتنی بر ویژگی های محیطی است که در سطوح مختلفی چون منظر کالبدی و زیبایی شناختی تا تجسم ذهنی و معنایی شهر شکل می گیرد. بر این اساس افراد مختلف (شهروندان، بازدیدکنندگان، آگاهان محیطی، غریبه ها و غیره) داده های محیطی را که از طریق ویژگی های محیط شهری به نظام ادراکی او منتقل می شود دریافت و فهم کرده و بر اساس آن رفتارهای خود را نظام می بخشد. این رفتارها همچنین متأثر از انگیزه های شخصی مخاطب و نیازهای او در زمان تعامل است فرایند ادراک منظر شهری سازوکارهایی چون تجربه پویای محیط شهری، خاطره و عواملی چون رفتارهای عاطفی مخاطب، نقش اساسی در شناخت منظر شهری دارند [۳۹].

ادراک محیط براساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال و فضاها و عملکرد و معنای ظاهری و باطنی آن ها دارد، یکی از اولین نتایج مترتب بر تماس انسان با محیط می باشد. این ادراک سبب می گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط اعم از احساس هویت (این همانی)، احساس سرور و خوشی، احساس غم و اندوه، احساس غرور، احساس حقارت، احساس تفوق، احساس از خود بیگانگی و بسیاری احساسات و ارتباطات روانی را با محیط برقرار نماید که هر کدام از این احساسات ثمره ی رابطه ای است که اصول و ارزش های فرهنگی انسان با ارزش های نهفته و یا متجلی در محیط که در واقع همان ارزش های منبعث از جهان بینی سازنده محیط می باشند، برقرار می نماید. معنادار بودن محیط و تأثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن انسان می نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء و یا به ذهن او متبادر می شود و نهایتاً تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات محیط، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی تایید می شوند، بلکه این فرآیند با روش های تجربی نیز به اثبات رسیده اند. بارزترین ویژگی های تأثیرگذار محیط بر انسان عبارت از نمادها، نشانه ها، تناسبات، صدا، نور، عملکردها و منشاء آن ها می باشد، که این ها تنها وجه مادی و ظاهری بوده و اثرات ناشی از آن ها را در مقولاتی چون هویت، تشخیص، احساس تعلق به مکان، احساس راحتی، احساس امنیت، احساس حقارت و تذکر معانی معنوی روحانی می توان مورد توجه و بررسی قرار داد. بارزترین وجهی که می تواند این عوامل ظاهری و اثرات ناشی از آن ها را توأماً معرفی نماید، کیفیت فضا است [۳۶].

منظر مؤید رابطه تنگاتنگی است که بین انسان و محیط در تمامی جهات برقرار می شود؛ به عبارت دیگر منظر دیدگاهی است مفهوم گرا که تنها به اشکال نمی نگرند، بلکه به پشتوانه هایی که باعث خلق اشکال گردیده اند، نیز می پردازد. بدین معنا که اشکال پیش رو را فقط به صورت فرم های جغرافیایی و هندسی نمی بیند و تصاویر را از جنبه ظاهری و به صورت خطوط مختلف و رنگ های گوناگون تفکیک نمی نماید، بلکه به دنبال دستیابی به ریشه ها و اصول فکری است.

مردم باید قادر به درک شهرشان باشند. الگوی اساسی شهر، عملکردهای عمومی و موسسات آن را بشناسند و از فرصتهای موجود آگاهی یابند. در یک شهر اصیل سرچشمه پیدایش چیزها و مکان ها با شفافیت دیده می شود. این بدان مفهوم است که محیط شهری باید معانی مهم خود را فاش نماید. شهر نباید تحت سلطه یک گروه پر قدرت واقع شود و مکان های مهم عمومی آن از انظار پنهان بماند. شهر بایستی از طریق سمبل ها بیانگر موضوعات اخلاقی جامعه بوده و شهروندانش را برای آگاهی از این موضوعات آموزش دهد. قابلیت زندگی، هویت، اصالت و فرصت های شهری از خصوصیات مثبت محیط شهری است که باید در خدمت فرد، شهروند و واحدهای کوچک اجتماعی قرار گیرد. ساختار شهر بایستی به طور مستقیم از طریق نهادها و به طور نمادی از طریق فضاهای عمومی اش دعوت کننده و مشوق حیات عمومی باشد [۷].

ادراک محیط، فرآیندی است که طی آن فرد به وسیله رمز گشایی از اشاره محیط، به جمع آوری اطلاعات می پردازد. تأثیر، ارزیابی فرد از یک صحنه است. شناخت، فرآیندی است که بیننده از طریق آن تصویر ذهنی مکان را ارزش گذاری کرده، به آن معنا نسبت داده، و آن را می سازد. به قول کاپلان (۱۹۸۷) فرد نیاز دارد که جان را شناخته، در آن به جستجو بپردازد و مایل است که ثمرات جستجوهای خود را برای دستیابی به دانش و معنای وسیع تری به کار گیرد. اما توانایی او برای پردازش اطلاعات و نسبت دادن معانی از طریق این پردازش محدود است [۱].

۱۰. اکولوژی منظر

اکولوژی منظر از جوان ترین شاخه های علم اکولوژی است که پس از جنگ جهانی دوم در اروپا توسعه یافت و به صورت علم مشخص مورد توجه قرار گرفته است. موضوع این علم مطالعه و بررسی مجموعه ای از اکوسیستم های به وجود آورنده منظر می باشد [۴۰] می توان به شهر هم به عنوان مجموعه ای از اکوسیستم های اختلال یافته از دریچه علم اکولوژی منظر نگریست و ساختارها، عملکردها و فرآیندهای مرتبط با شهر را با این دیدگاه بررسی نمود. عناصر منظر شامل بستر، لکه و دالان ها هستند [۴۲]. در اکولوژی منظر موضوعات اصلی ساختار، عملکرد و تغییر و تحولات آن ها در طول زمان می باشد.

اکولوژی منظر، مطالعه و استفاده از اطلاعات مربوط به الگوها و فرایندهای اکولوژی تداخل آنها با شکل زمین در مقیاس های مختلف، از یک هکتار/جریب فرنگی تا چندین کیلومتر/مایل مربع است. الزامات کلیدی برای تحلیل موفقیت آمیز شامل موارد زیر است: تعیین محدوده منطقه مورد تحلیل، حد تفکیک، اجزای مورد توصیف و اندازه و سرعت تغییر منظر. هر کدام از این عوامل در ارتباط با هدف تحلیل و ساختار ذاتی منظر قرار می گیرند. برای مثال، در یک سامانه رودخانه ای می توان ارتباط سامانه هیدرولوژی با ساختار بستر رودخانه را توسط فرایندهای مختلف مشاهده کرد. با این حال، از آنجا که هر ناحیه ای، معمولاً جزیره ای جداگانه از محیط اطرافش نیست، در تحلیل نباید الگوهایی با مقیاس های بزرگتر و کوچکتر از منطقه را نادیده گرفت. اگر یک لکه جنگل شامل درختانی با سن یکسان و فاقد لایه های بوته ای و زمینی باشد، ساختار ساده ای خواهد داشت. اگر لایه های همپوشانی شده شامل درختان بلند، درختان کوتاه تر، بوته ها، بوته گیاهان بدون ساقه دائمی، گیاهان هوایی، درختان خشک شده و غیره باشد، ساختار آن پیچیده است. بستر، بخشی از منظر است که دارای بیشترین ارتباطات می باشد. لکه هایی که توسط دالان هایی با ساختار و ترکیب یکسان به یکدیگر مرتبط اند، بخشی از منظر با بیشترین ارتباط را تشکیل می دهند و در نتیجه بستر را ایجاد می کنند. در برخی موارد، بستر وجود ندارد و منظر تنها از لکه ها، دالان ها و مسیرهای عبور تشکیل می شود. بنابراین می توان گفت که منظر از تعدادی اجزای اصلی تشکیل شده که وقتی در ترکیب با یکدیگر قرار می گیرند، هر کدام دارای خصوصیات توصیفی کل منظر نیز می باشند [۳]. حس مکان یا سایر احساسات برانگیخته توسط منظر، به خصوصیات منظر بستگی دارند و کیفیاتی هستند که ناظر آن ها را مشاهده می کند.

۱۱. ادراک و شناخت محیط و منظر شهری

از اوایل دهه ۶۰ میلادی، موضوع ادراک محیطی به عنوان مبحثی میان رشته ای مورد توجه قرار گرفته و از جهات مختلف توسعه یافته است. ادراک، فرآیند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان و موضوعی فعال و هدفمند است. و به پاسخ های مستقیمی باز می گردد که

حواس ما به ساختار یا فرم ها نشان می دهد. ادراک شامل جمع آوری، سازمان دهی و فهم اطلاعات محیطی است. نصر ۲۰۱۱ معتقد است سه گونه نظریه ادراک محیطی، ایده هایی برای طراحی شهری داشته اند. نخستین آن، نظریه سطح سازگاری است که مبین این نکته است که مردم خود را با سطح محرک های غالب سازگار می کنند. این نظریه از سوی ولویل و کوهن در سال ۱۹۷۳ مطرح شد. تئوری دوم، رویکرد اکولوژیک به ادراک است که محیط را متشکل از ساختار و محرک های معنادار می داند. ناظر فعال، ساختارهای محیط را تشخیص داده و مبنایی برای جست و جوی خود فراهم می آورد. در اینجا مفهوم قابلیت محیط نقش مهمی دارد. ما ماهیت و سطوح مجموعه ها و اشیاء را در ابتدا با بررسی تناسب آن ها با خودمان ادراک می کنیم. بنیان گذاران این نظریه که رویکردی پیشرو است، جیمز و الینور گیbson (۱۹۷۹) می باشند. دید گیبسونی ادراک، با تأکید بر حرکت و چگونگی استفاده از منظر، ادراک را به طور آشکار به تجربه مستقیم محیط مربوط می سازد. نظریه سوم، عملکردگرایی احتمال گرا است که معتقد است ارزیابی انسان ها از محیط دارای احتمالاتی است که به ادراک مردم از سرنخ های فیزیکی بستگی دارد که آن نیز وابسته به احتمالاتی است که همواره در کنار ویژگی های فیزیکی محیط قرار گرفته اند. این مدل که توسط برونزویک (۱۹۵۶) ابداع شده است، پیشنهاد می دهد طراحان بر ویژگی های برجسته در ادراک، ارزیابی و مباحثه مردم متمرکز شوند [۱۹].

اصطلاح منظر شهری اولین بار در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در انگلیس به کار رفته است، زمانی مورد توجه برخی منتقدان معماری قرار گرفت که نگران هویت روستاها، شهرک ها و شهرهای ما بودند که توسط برنامه های بازسازی ناخوشایند پس از جنگ ویران شده بود. آن ها تعاریف خود را از منظر شهری از رومی ها (گنیوس لوکی) اقتباس کردند، که به معنای شخصیت غالب یا فضای یک مکان است. با این وجود به معنای حفظ آن نیست و منظر شهری به عنوان راهی برای توضیح اینکه چگونه توسعه مدرن می تواند کنار ساختمان ها تاریخی و مناطق، و همکاری مثبت برای تکامل یک مکان، استفاده شود. جنبش منظر شهری کمک کرد که مشخصات عمومی حفاظت از میراث شاخته شده را ارتقاء دهد، که منجر به ایجاد گروه هایی مانند جامعه ویکتوریا و جامعه قرن بیست و یکم گردید [۴۱].

به عقیده کوین لینچ انسان موجودی است بسیار پیچیده که دارای ابعاد جسمی و روحی بسیار متفاوت و متنوع است و توانایی هایی در ابعاد گوناگون دارد، بنابراین در ارتباطی که با محیط خود برقرار می کند باید همه ی این ابعاد در نظر گرفته شود و اینکه تنها به عملکردهای چشم و ذهن و ارتباطات میان آنها توجه کنیم نوعی تقلیل گرایی است. انسان هر لحظه میتواند ادراکاتی آنی داشته باشد که همین امر میتواند نقش مهمی را در زندگی روزمره ی او که به احتمال زیاد با یکنواختی و تکرار همراه است، ایفا کند. تصاویری که از محیط در ذهن ناظر به وجود می آید، به راستی حاصل جریان دو جانبه بین ناظر و محیط اوست. کلمه محیط آنقدر موارد استفاده دارد که تشخیص معنای آن مشکل شده است. جغرافیدانان زمین و آب و هوا، روان شناسان مردم و شخصیت فردی آنها، جامعه شناسان سازمان های اجتماعی و فرآیندها و معماران ساختمان ها و محیط های باز و منظر را محیط تعریف می کنند. هر کدام از این طبقه بندی ها به مقاصدی که از محیط انتظار می رود ربط دارند. محیط از یک سو عبارت از فضای در بر گیرنده ی انسان و سایر موجودات است و از جانب دیگر می توان آن را فضای محدود محسوس برای انسان دانست که به این ترتیب محیط مورد نظر افراد مختلف متفاوت خواهند بود (نقی زاده، تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی: ۶۶-۶۵). محیط با مظاهر خاص خود جلوه گر می شود و رابطه ای در ذهن ناظر بین او و تجاربش به وجود می آورد. این تصاویر نشان می دهند که شهروندان چه سابقه و خاطره ای از شهر مورد نظر دارد، اکنون از آن چه برداشتی داشته و توقع دارند که شهر و اجزای آن در آینده به چه سمتی حرکت کند. مسئله ی بنیادین درک محیط ساخته شده در زندگی مردم، فهم چیرستی معنای «محیط» است. معنادار بودن محیط و تأثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن می گذارد و در نتیجه معنایی که با قرار گرفتن در محیط و فضایی خاص به انسان القاء می شود و نهایتاً تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات محیط، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی تأیید می شوند بلکه با روش های تجربی نیز قابل اثبات هستند (نشریه اینترنتی معماری منظر). لینچ همچنین رویکردی شناختی نسبت به شهر داشت روشی که او اتخاذ کرده بود یعنی رسیدن به معنای موجود در شهر از طریق فراگیری نقشه های ذهنی ساکنین، به اساس و بنیادی برای جغرافیای شناختی بدل شد. به اعتقاد او شهرها خوانایی خود را از دست داده اند، امری که سبب گمگشتگی انسان ها شده است. "این مهم است که فضای شهری دارای ساختاری قابل درک و نواحی متفاوت با ویژگی های قابل شناسایی باشد. نشانه ها کمکی اساسی برای جهت یابی و هدایت شدن در شهری بزرگ محسوب می شوند [۱۳].

تمام چیزهایی که در یک فضا دیده می شوند؛ از جمله صفحه کف، صفحه بالای سر، لبه فضا، عناصر محصور و عناصری که در قاب قرار می گیرند، همه بخشی از صحنه بصری بوده، بنابراین جزئی از مکان هستند. اگر محرک های مختلف با یکدیگر هماهنگ باشند و مضمون مشترکی را بیان کنند، در این صورت، فضا دارای حس مکانی قوی و پرمعنی خواهد بود، پیوسته و کامل به نظر خواهد رسید و چنین می نماید که عناصر موجود در آن به یکدیگر تعلق دارند. به این ترتیب گفته می شود که فضا دارای مکانیت زیادی است. اما، چنانچه عناصر واقع در فضا، پیوستگی لازم را به یکدیگر نداشته باشند، فضا ناهنجار به نظر می رسد. از نظر بصری فاقد انسجام و آشفته جلوه می کند، احساس سردرگمی می دهد فاقد مکانیت خواهد بود، یا برعکس می توان گفت دارای ویژگی بی مکانی است [۱].

اگر بخواهیم به جای طراحی صحنه های گیج کننده و بیگانه، صحنه هایی شهری را طراحی کنیم از لحاظ روانی سالم باشند، باید نقش فرد را به عنوان وسیله رمزگشایی اطلاعات، معنابخشی و پاسخ دهی احساسی به صحنه ها بپذیریم، ضمناً باید صحنه ها را ماهیتی هایی فیزیکی بدانیم که در درون آن ها معنایی به صورت رمز وجود دارد که به صورت پدیده ای کلی خوانده می شود، نه مجموعه ای از اجزاء. با چنین آگاهی، می توان از عهده درک ساختاری ذهنی به نام مکان، که در ذهن شکل می گیرد، برآییم، و می توانیم مکان هایی را طراحی کنیم که از لحاظ روانی سالم و پرمعنی باشند [۲۷].

تفسیر محیط و منظر بر حسب نوع بیننده و تفکر و برداشت فرد از محیط و منظر کاملاً متفاوت است. منظر شهری به دلیل ارتباط آن با زندگی روزمره ما و اثر روانی، اقتصادی، اجتماعی آن از جایگاه خاصی برخوردار است و می تواند پوشش وسیعی از نظریات و برداشت مردم از محیط و منظر را عرضه کند. سیر تحول شهر و شهرنشینی در تنوع محیط و منظر و مولفه های حاصل از فن آوری های نو سهم غالب را خواهد داشت. با زندگی در شهرها هر روزه نظاره گر مناظر شهری هستیم در حالیکه ممکن است در طی فصول مناظر طبیعی را کمتر مشاهده کنیم. در شهر ما وقتی از یک منظر خوب آگاه می شویم که آن را ببینیم. ولی در این نگرش ما چه چیزی را مورد تحسین و ارزیابی قرار می دهیم. مقیاس، شکل ساختمان، تغییرات غیر منتظره، فقدان ساختمان های آشنا، سروصدا، ضایعات، خطر ترافیکی، مکان هایی که زمانی فضای نسبتاً آرامی برای مردم بودند و یا مجموعه ای که محیط و منظر ما را شکل می دهد و واجد خصوصیات یاد شده اند [۱۷].

نتیجه گیری

یکی از مهم ترین مباحث در تئوری های محیط و منظر نقش محیط در شکل دهی به رفتار انسان است. رفتار انسان در مقیاسی جهانی تحت تأثیر نیروهای اکولوژیکی می باشد. زمانی که به طراحی آگاهانه منظر توجه شود و مشارکت مردمی در اعمال پروژه ها همراه باشند، می توان بر مبنای نیازها و انگیزه های شهروندان محیط هایی متنوع، سرزنده و پویا ایجاد کرد. ادراک بصری سیمای شهر مانند جنبه های ادراکی دیگر عناصر و ساختارهای شهر، نوعی تعامل دوسویه را بین کالبد شهر و فرد یا جامعه نشان می دهد یعنی ادراک شهر نه تنها به خصوصیات و صفای آن یا عنصر وابسته است که به نوع تفکر و نگاه یا تجربیات شخص (جامعه) نیز بستگی دارد. یکی از دلایل موجودیت شهرها و یا یکی از وظایف آن ها غیر از ایجاد فضایی برای سکونت، پاسخگویی متقابل به نیازهای شهروندان و ارائه فضاهای حضور، درس و ارتباط گفتاری و دیداری است که زمینه ساز هر نوع ارتباط و تعامل اجتماعی دیگر است. تنها در آیین محیط بصری و منظر شهری است که ابعاد نامملوس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش های معین، سلاقی زیباشناختی خرده فرهنگ ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام جامعه به قراردادهای اجتماعی و غیره از طریق نظامی از "نشانه ها امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی را میسر می سازد. ادراک محیط، فرآیندی است که طی آن فرد به وسیله رمز گشایی از اشاره محیط، به جمع آوری اطلاعات می پردازد. تأثیر، ارزیابی فرد از یک صحنه است. شناخت، فرآیندی است که بیننده از طریق آن تصویر ذهنی مکان را ارزش گذاری کرده، به آن معنا نسبت داده، و آن را می سازد. به قول کاپلان (۱۹۸۷) فرد نیاز دارد که جان را شناخته، در آن به جستجو بپردازد و مایل است که ثمرات جستجوهای خود را برای دستیابی به دانش و معنای وسیع تری به کار گیرد. اما توانایی او برای پردازش اطلاعات و نسبت دادن معانی از طریق این پردازش محدود است.

منابع

۱. احمدی، فرشته، آداوودی، سمانه، ۱۳۹۳، تأثیر منظر شهری بر رفتار اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: محلات زینبیه و جلفا در اصفهان).
۲. اسلامی، یوسفی، علی، صادقی، عطیه، عبداللهی، ساره، چرخ زرین، مرتضی، ۱۳۹۳، منظر شهری، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مولفه های شهر.
۳. اکبری مراد، شادی، ماهان، امین، ۱۳۹۳، بررسی پوشش گیاهی در طراحی منظر، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
۴. اکبری مطلق، مصطفی، ۱۳۹۳، عوامل ایجاد سرزندگی در فضای شهری، تهران، پژوهشکده شهرسازی و معماری سپیدار.
۵. آسیابی، محمد، میادین شهری از معنا و مفهوم تا واقعیت آن در شهرهای ایران، تهران، انتشارات طحان.
۶. بل، سایمون، ۱۳۸۲، منظر الگو ادراک فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، دانشگاه تهران.
۷. بهزادفر، مصطفی، ۱۳۹۰، هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، چاپ سوم، تهران، انتشارات موسسه نشر شهر.
۸. پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۵، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
۹. جهانی، علی، محمدی فاضل، اصغر، ۱۳۹۵، مدلسازی کیفیت زیباشناختی منظر در فضای سبز شهری با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی، محیط زیست طبیعی، منابع طبیعی ایران، دوره ۶۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵.
۱۰. حسین پور، مریم، پرویزی، رضا، پورنصیر، ماجده، صیاد فروزان، حنا، ۱۳۹۴، نقش فضای سبز در ارتقای کیفیت منظر شهری، کنفرانس بین المللی مهندسی معماری و شهرسازی.
۱۱. خیرالدین، رضا، کاکاوند، الهام، امید، مرتضی، ۱۳۹۳، ارزیابی تأثیر قابلیت توسعه فضای سبز با بکارگیری رهیافت پارک های جیبی در ارتقای کیفیت منظر تاریخی شهر (مطالعه موردی: شهر قزوین)، دو فصلنامه پژوهش های منظر شهر، سال اول، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۳.
۱۲. داری پور، نادیا، سعید، ملکی، ۱۳۹۴، بررسی نقش مؤلفه های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت شهروندان در فضاهای عمومی شهر اهواز (مطالعه موردی: محله گلستان)، دو فصلنامه پژوهش های منظر شهر، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۱۳. درگاهی، ملیحه، ۱۳۸۸، زندگی و آثار کوبن لینچ، نشریه اینترنتی معماری منظر.
۱۴. دویران، اسماعیل، خدایی، داود، غلامی، سعید، دانش دوست، مهرداد، ۱۳۹۱، سنجش مولفه های آسایش بصری در منظر شهری (با تأکید بر محله حسینیه اعظم زنجان).
۱۵. ذکاوت، کامران، ۱۳۸۵، چارچوب استراتژیکی مدیریت بصری شهر، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳.
۱۶. رضوانی، محمد رضا، احمدی، علی، ۱۳۸۸، مکان و نقش فرهنگ در شکل گیری هویت مکانی، پژوهش نامه فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم.
۱۷. طبیبیان، منوچهر، ۱۳۸۱، مولفه های محیط و منظر، مجله محیط شناسی، ویژه نامه طراحی محیط.
۱۸. فرهنگ، مظفر، حسینی، مهدی، خدادادی، رضا، ۱۳۹۵، سنجش تأثیر «هنرهای عمومی» در زیباسازی و بهبود کیفیت بصری منظر شهری؛ مطالعه موردی دیوارنگاره های شهر تهران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه هنر، شماره هجده، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۱۹. فیضی، محسن، اسدپور، علی، ۱۳۹۲، ادراک شهروندان از منظر ساختمان های بلند شهری نمونه موردی هتل چمران شیراز، مطالعات معماری ایران، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۲۰. کوپایی، گلرخ، ۱۳۹۳، تأثیر محور پاسخده بر درک منظر شهری (مطالعه موردی محور بزرگمهر اصفهان)، سازمان زیباسازی شهر تهران.
۲۱. لینچ، کوبن، ۱۳۸۵، سیمای شهر، ترجمه ی منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۲. کالن، گوردن، ۱۳۷۷، گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. گلکار، کوروش، ۱۳۸۵، مفهوم منظر شهری، نشریه آبادی، شماره ۵۳، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۲۴. گلگار، کوروش، ۱۳۸۷، کندوکاو در تعریف طراحی شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۵. گلگار، کوروش، ۱۳۸۷، محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد ترینی تا رویکرد پایدار، علوم محیطی سال پنجم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۷.
۲۶. لینچ، کوبن، ۱۳۷۲، سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۷. ماتلاک، جان. ل، ۱۳۷۹، آشنایی با طراحی محیط و منظر (جلد ۲)، ترجمه معاونت آموزش و پژوهش سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، پژوهشکده سازمان شهری و روستایی کشور.
۲۸. محملی ابیانه، حمیدرضا، ۱۳۹۰، ارزیابی مفهوم منظر در طرحهای شهری مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرحهای جامع تهران با تجارب جهانی، فصلنامه باغ نظر، مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر شماره هفده / سال هشتم / تابستان
۲۹. مدنی پور، علی، ۱۳۸۷، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی، تهران.
۳۰. مضطرزاده، حامد، حجتی، وحیده، ۱۳۹۱، تاثیر محیط بر رفتار اجتماعی مردم در فضاهای شهری، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها، سال سیزدهم، شماره ۱۰۸.
۳۱. ملکی، سعید، احمدی، توران، ۱۳۹۲، بررسی کیفیت بصری سیما و منظر شهری ایلام، مجله فرهنگ ایلام، شماره ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۳۲. منصوری، سید امیر، ۱۳۸۳، در آمدی بر شناخت معماری منظر، مجله باغ نظر، سال اول، شماره دوم، تهران، پژوهشکده نظر.
۳۳. موسوی سروینه باغی، الهه، صادقی، علیرضا، ۱۳۹۴، ارائه فرایند طراحی جداره‌های شهری در جهت ارتقای کیفیت‌های بصری زیبایی شناسی منظر شهری، نمونه موردی: خیابان احمدآباد مشهد، مدیریت شهری، شماره ۴۳، تابستان ۹۵
۳۴. مویدی، محمد، علی نژاد، منوچهر، نوایی، حسین، ۱۳۹۲، بررسی نقش مؤلفه های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۲.
۳۵. نقی زاده، محمد، ۱۳۸۱، تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، دوره ۱۱، شماره پیاپی ۴۵۹، تابستان.
۳۶. نقی زاده، محمد، ۱۳۸۱، تحلیل طراحی شهری، نشر تهران.
۳۷. واعظی، مهدی، ثقفی، محبوبه، ۱۳۹۲، نقش کیفیت سیما و منظر شهری در هویت کالبدی شهر (مطالعه موردی اسلامشهر)، نشست تخصصی مدیریت شهری و توسعه پایدار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
۳۸. وحدت، سلمان، سجاذاده، حسن، کریمی مشاور، مهرداد، ۱۳۹۳، تبیین ابعاد موثر بر منظر خیابان در جهت ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری (مطالعه موردی: خیابانهای بافت مرکزی شهر همدان)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۴
۳۹. یوسفی، علی، صادقی، عطیه، عبداللهی، ساره، چرخ زرین، مرتضی، ۱۳۹۳، منظر شهری، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه شهر اسلامی.

40. Cook, E., Vanlier, H.N., 1994, Landscape planning and ecological networks, Elsevier, Amsterdam
41. faeghe sarhani: interpreter, 2017, Townscape Character Assessment Technical Information Note 05/2017. , Landscape Institute Technical Information Note.
42. Forman, R.T.T., Godron, M., 1986, Landscape Ecology, John Wiley & sons, New York
43. Golkar. K. (2003b). Urban Design from Birth through to Maturity. *Journal of Soffeh*, 36: 8-23. [in Persian].